

# مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های اهواز با استفاده از مدل‌های قطری تحرک

عبدالرحمن راسخ\*، صدیقه حافظی\* و معصومه باقری\*\*  
\*گروه آمار دانشگاه شهید چمران اهواز  
\*\*گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

بر اساس نظریه تحرک رفتارها، حالات و ارزش‌های افراد تحت تأثیر پایگاه اجتماعی پیشین (مبدأ) و نیز پایگاه اجتماعی جاری (مقصد) آنها قرار می‌گیرد. اگر پایگاه اجتماعی پیشین و پایگاه اجتماعی جاری فرد یکسان نباشد، گوییم تحرک اجتماعی رخ داده است. جهت بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر رفتارها، حالات و ارزش‌های افراد، مدل‌هایی تحت عنوان مدل‌های قطری تحرک پیشنهاد شده است. در این مقاله، با استفاده از مدل‌های قطری تحرک برای متغیر پاسخ ترتیبی، به مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور می‌پردازیم. از میان نتایج مختلف حاصل از این مطالعه می‌توان به تأثیر متغیرهای سن، تحصیلات پدر، درآمد فرد، درآمد همسر، وضعیت استخدامی همسر و تحرک اجتماعی بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان اشاره کرد. همچنین با توجه به نمونه مورد مطالعه، زنان در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند.

**کلید واژگان:** پایگاه اجتماعی، تحرک اجتماعی، مبدأ، مقصد، مدل‌های قطری تحرک، هویت طبقاتی اجتماعی

---

## مقدمه

انسان و جایگاه او در جهان مدتهاست که ذهن بشر را به خود مشغول داشته و موضوع مناسبی برای تحقیق بوده است. در جوامع امروزی، انسان از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است و از آنجا که هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بنابراین بررسی هویت انسانها بسیار قابل توجه است.

«هویت اجتماعی» احساس تعلق و وابستگی به یک جامعه است به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد (ایمان و کیدقان، 1381). یکی از جنبه‌های هویت، هویت طبقاتی (طبقه-ای) اجتماعی است که به تلقی افراد از طبقه اجتماعی‌شان اشاره دارد.

سابقه مطالعات مرتبط با جوانب مختلف طبقه اجتماعی، با سابقه نسبتاً طولانی به دههٔ چهارم میلادی بر می‌گردد. در آن سال‌ها علیرغم حضور زنان در برخی مشاغل، با توجه به ساختار خانواده که پدر خانواده منبع اصلی تأمین‌کننده درآمد خانوار محسوب می‌شد و بقاء خانواده تنها توسط موقعیت شغلی او تعیین می‌گردید، بنا براین موقعیت اجتماعی زنان از وضعیت اجتماعی و شغلی همسرشان قابل استنباط بود. اما با رشد بیشتر مشارکت اجتماعی زنان و افزایش تعداد زنان شاغل و همچنین تغییر در ساختار خانواده، جامعه‌شناسان به سوی بررسی فرضیهٔ سوق پیدا نمودند که آیا زنان هویت طبقه‌ای اجتماعی خود را متأثر از موقعیت اجتماعی همسرشان می‌دانند؟ آیا زنان هویت طبقه‌ای خود را بیشتر متأثر از موقعیت شغلی همسرشان می‌دانند یا موقعیت شغلی خودشان را در تعیین طبقه اجتماعی شان با اهمیت تر تلقی می‌کنند. تحرک اجتماعی، چگونه تصور آنان را از طبقه اجتماعی شان تحت تأثیر قرار می‌دهد و زنان تحت چه شرایطی طبقه اجتماعی بالاتری برای خود قائل می‌شوند. در این مقاله به بررسی هویت طبقه‌ای اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی همسرشان (مطالعه موردی دانشگاه های اهواز) خواهیم پرداخت<sup>1</sup>.

### مروری بر دانش موجود در زمینه مسئله (ملاحظات نظری)

در مورد هویت طبقه‌ای اجتماعی زنان تحقیقات وسیعی در جهان صورت گرفته است. فلسون و کنوک به بررسی وابستگی زنان متأهل به وضعیت اجتماعی همسرانشان در ارزیابی طبقه اجتماعی خود، پرداختند. آنها نتیجه گرفتند که هم زنان و هم همسران آنها هنگام ارزیابی طبقه اجتماعی شان توجه کمتری به موقعیت اجتماعی طرف مقابل خود دارند (1974). ریترو هارگنز دریافتند که رابطه میان موقعیت شغلی زن و هویت طبقه‌ای واقعی او حتی پس از به حساب آوردن ویژگی‌های همسرش باقی می‌ماند. به عبارت دیگر علاوه بر اینکه زن از مشخصات همسرش در تعیین هویت طبقه‌ای اش تأثیر می‌پذیرد، از موقعیت شغلی خودش نیز تأثیر می‌پذیرد (1975).

مطالعه انجام شده توسط هیلر و فیلیبر نشان داد که زنان در تعیین هویت طبقه‌ای اجتماعی شان موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرشان را دارای اهمیت یکسان می‌دانند (1978). در حالی که ون ولسر و بیقلی از مطالعات خود در این زمینه نتیجه گرفتند که زنان غیر شاغل در تعیین هویت طبقه‌ای اجتماعی خود تحت تأثیر موقعیت شغلی همسرشان قرار می‌گیرند، اما زنان شاغل در تعیین هویت طبقه‌ای خود

---

<sup>1</sup> این مقاله حاصل پژوهشی است تحت عنوان «مدل های قطری تحرک و کاربرد آنها در بررسی هویت طبقه‌ای اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه های شهید چمران و علوم پزشکی جندی شاپور» که در قالب یک رساله کارشناسی ارشد آمار اقتصادی و اجتماعی در سال 1384 در دانشگاه شهید چمران اهواز ارائه گردید.

به یک اندازه به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می دهند (1979).

جکمن و جکمن پس از انجام تحقیقات در این زمینه به این نتیجه رسیدند که زنان هویت طبقاتی اجتماعی خود را از موقعیت اجتماعی همسرانشان استنباط می کنند (1983). دیویس و رابینسن پیشنهاد کردند که زنان در دهه 70 هویت طبقاتی اجتماعی خود را تحت تأثیر موقعیت شغلی همسرشان استنباط می کردند در حالی که زنان شاغل در دهه 80 در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت خود و همسرشان اهمیت یکسان می دادند (1988). در رابطه با هویت طبقاتی اجتماعی زنان مطالعاتی در باب مقایسه بین ملت ها نیز انجام گرفته است. از جمله رایت پس از بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان آمریکایی و سوئدی نتیجه گرفت که زنان آمریکایی در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی خود را متأثر از موقعیت همسرانشان تعیین می کنند. این در حالی است که زنان سوئدی تعیین هویت طبقاتی خود برای موقعیت اجتماعی خود و موقعیت اجتماعی همسرانشان اهمیت یکسان قائل می شوند (1989).

هایز و جونز با استفاده از تحقیقاتی در زمینه هویت طبقاتی اجتماعی زنان با توجه به داده های تحقیقاتی در استرالیا، دریافتند که تحصیلات زن و شغل او تأثیر معنی دار بر تعیین هویت طبقاتی اجتماعی ندارند (1992). اریکسون و گلد تورپ پس از بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان بریتانیا، آلمان، مجارستان، نروژ و سوئد، نتیجه گرفتند که هویت طبقاتی اجتماعی آنها بطور عمده به ویژگی های همسرانشان بستگی دارد (1992). باکستر دریافت که عضویت زنان سوئدی و استرالیایی در طبقه متخصص نقش تعیین کننده ای در تعیین هویت طبقاتی آنان دارد. اما این مسئله در مورد زنان آمریکایی و نروژی صادق نیست (1994). رابرتز و مارشال دریافتند که ویژگی های زنان شاغل تمام وقت به طور معنی داری هویت طبقاتی آنان را تعیین می کنند اما این ویژگی ها نسبت به ویژگی های همسرانشان در تعیین هویت طبقاتی شان، دارای اهمیت کمتری هستند (1995). مارشال و همکاران پس از مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان بریتانیایی و آمریکایی، نتایج مشابهی به دست آوردند. اما با مطالعه زنان در آلمان غربی، چکسلواکی و مجارستان دریافتند که ویژگی های زن و شوهر به یک اندازه در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی زنان سهم دارند (1995).

سوبل و همکاران به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت اجتماعی (شغلی) خود و همسرشان پرداختند. آنها برای انجام تحقیق فوق اطلاعات لازم را از یک نمونه 3076 تایی از زنان 18 تا 59 ساله بریتانیایی در فاصله سال های 1985-1987 بدست آوردند. محققان قبلی در بررسی موضوع فوق تلاش می کردند آزمون کنند که آیا زنان تنها به موقعیت همسرشان در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی خود اهمیت می دهند یا به موقعیت خودشان و یا به هر دو به یک اندازه اهمیت می دهند. اما سوبل و همکاران در تحقیق خود به بررسی وزن نسبی که

زنان در تعیین هویت طبقاتی خود به موقعیت اجتماعی خود و همسرشان می دهند، پرداختند. همچنین آنها به این موضوع پرداختند که زنان تحت چه شرایطی وزن کمتری یا بیشتری به موقعیت شغلی خود می دهند و به طور مشابه تحت چه شرایطی وزن کمتری یا بیشتری به موقعیت شغلی همسرشان می دهند. آنها پس از تجزیه و تحلیل داده ها به این نتیجه رسیدند که هنگامی که مرد از نظر تمام وقت یا پاره وقت بودن شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش باشد، وزنی که زن در تعیین هویت طبقاتی خود، به موقعیت همسرش می دهد از وزنی که به موقعیت خود می دهد، بیشتر می باشد. اما زمانی که زن از نظر شغلی در شرایط بهتری نسبت به همسرش قرار دارد، وزنهایی که به موقعیت خود و همسرش می دهد تقریباً مساوی هستند (2004). علاوه بر تحقیقات فوق مطالعات دیگری نیز بر روی تحرک اجتماعی در سایر زمینه ها انجام شده است. ولمن و لیت تاثیر رشد اقتصادی سالهای اخیر در ایرلند را بر روی تحرک اجتماعی بررسی نمودند (2006). آیانلی و پترسون تاثیر تعلیم و تربیت را بر روی تحرک اجتماعی مورد مطالعه قرار داد (2007) و نیتل تاثیر تحرک اجتماعی را بر چگونگی رفتار پدر با فرزندان پسر و دختر و همچنین با فرزندان آنها را بررسی نمود (2008).

در زمینه هویت طبقاتی اجتماعی زنان، تحقیقات محدودی در ایران صورت گرفته است. ایمان و کینقان به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان در شهر شیراز پرداختند. نتایج تحلیل چند متغیره در این تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، توانایی عقلانی کردن امور، درآمد خانوار، به ترتیب بیشترین اثرات را در تبیین متغیر وابسته هویتی دینی داشته اند. متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و اعتماد به نفس متغیرهایی اند که به ترتیب بیشترین تأثیر را در هویت قومی افراد داشته اند. متغیرهای گستره شبکه ارتباطی تحصیلات فرد و تحصیلات پدر تأثیر عمده ای در تبیین هویت گروهی افراد داشته و نهایتاً متغیرهای تحصیلات مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات فرد بیشترین تأثیرات را در تبیین متغیر هویت ملی افراد داشته اند (1381).

سفیری و ایمانی تحرک بین نسلی زنان نسبت به مادرانشان در تهران را با شاخص هایی چون سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، سن ازدواج، منزلت شغلی و تصمیم گیری در انتخاب همسر سنجیده است. در میان عوامل مؤثر در نسل دختران، درآمد والدین مهمترین نقش را در میان سایر عوامل به خود اختصاص داده است در حالیکه در نسل مادران آنها نسبت به مادر بزرگ ها سن ازدواج مهمترین نقش را ایفا می کرد (1385). علاوه بر موارد فوق پژوهشهای دیگری در زمینه کلی تحرک اجتماعی در ایران انجام شده است (مقدس، 1374، کاظمی پور، 1378 و کلانتری و قائمی، 1381).

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری تحقیق، زنان متأهل شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور اهواز می‌باشند. براساس اطلاعات اخذ شده از امور اداری دانشگاه‌ها در زمان انجام این پژوهش (سال 1384)، تعداد زنان متأهل شاغل در واحدهای مختلف دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور، به ترتیب در حدود 285 و 198 نفر گزارش شده است) لازم به تذکر است که کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شاغل در بیمارستان‌های سطح شهر، در جامعه آماری در نظر گرفته نشده‌اند). زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان در چهار طبقه هیئت علمی و پزشک، کارشناس، کارمند و کارگر قرار داد. بر همین اساس برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردید. ابتدا یک نمونه مقدماتی انتخاب و با توجه به در دست بودن اندازه کل جامعه و اندازه کل طبقات و با استفاده از فرمول ککران اندازه نمونه هر طبقه به صورت 180 نمونه از دانشگاه شهید چمران و 130 نمونه از دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور تعیین و به تناسب از میان مشاغل مختلف انتخاب گردیدند. سپس اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه طراحی شده و مصاحبه حضوری جمع آوری و پردازش شد. از سوی دیگر با توجه به نقشه طبقه‌ای شغلی گلد تورپ، پنج رده شغلی شامل: متخصصان (دسته اول)، نیمه متخصصان (دسته دوم)، صاحبان مشاغل آزاد (دسته سوم)، کارمندهای معمولی (دسته چهارم) و کارگران (دسته پنجم) برای شاغلین تشخیص داده شد (گلد تورپ، 1980، و اریکسون و گلد تورپ، 1992). از هر فرد پاسخ-گو، عنوان کامل شغل خود و همسرش سؤال شد و با توجه به پاسخ آنها، شغل فرد پاسخ‌گو (به عنوان مبدأ) و شغل همسرش (به عنوان مقصد) به یکی از رده‌های شغلی فوق (که به ترتیب با کدهای 1، 2، 3، 4 و 5 مشخص شده‌اند) اختصاص داده شد. بنابراین طبق مدل سوبل کلاس مبدأ (X2) دارای پنج دسته و کلاس مقصد (X3) نیز دارای همین تعداد دسته می‌باشد. سایر متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق و نحوه کدگذاری آنها در جدول 1 آمده است.

جدول 1: توصیف متغیرهای بکاررفته در مدل

متغیر	توصیف	متغیر	توصیف
X1	طبقه اجتماعی	X16	وضعیت استخدام همسر
		X17	وضعیت استخدام همسر
X4	سن	X18	وضعیت استخدام همسر
X5	تحصیلات	X19	وضعیت استخدام همسر
X6	قومیت	X21	وضعیت استخدام همسر

غیر اینصورت		استخدام			
1 = اگر وضعیت استخدام فرد بهتر از وضعیت همسرش باشد؛ 0 = در غیر اینصورت	X22		0 = عرب یا بختیاری؛ 1 = در غیر اینصورت	X7	
1 = کمتر از 200؛ 2 = 300-200؛ 3 = 400-300؛ 4 = 500-400؛ 65 = 700-500؛ و بیشتر. (ده هزار ول)	X23	درآمد همسر	0 = عرب یا بختیاری یا فارس؛ 1 = در غیر اینصورت	X8	
			برحسب تعداد سنوات تحصیل	X9	تحصیلات پدر
0 = شخصی؛ 1 = در غیر اینصورت	X24	نوع منزل مسکونی	برحسب تعداد سنوات تحصیل	X10	تحصیلات مادر
0 = شخصی یا اجاره ای؛ 1 = در غیر اینصورت	X27		1 = ضعیف؛ 2 = متوسط؛ 3 = متوسط بالا؛ 4 = خوب یا عالی	X11	وضعیت مالی
1 = اگر موقعیت شغلی زن از موقعیت شغلی همسرش بهتر باشد؛ 0 = در غیر اینصورت	X20	متغیرهای تحرک	0 = رسمی؛ 1 = در غیر اینصورت.	X12	وضعیت استخدامی فرد
1 = اگر زن تحرک اجتماعی داشته باشد؛ 0 = در غیر اینصورت	X25		0 = رسمی یا پیمانی؛ 1 = در غیر اینصورت	X13	
-1 = اگر زن تحرک اجتماعی نزولی داشته باشد؛ 0 = اگر زن تحرک اجتماعی نداشته باشد؛ 1 = اگر زن تحرک اجتماعی صعودی داشته باشد	X26		0 = رسمی یا پیمانی یا قراردادی؛ 1 = در غیر اینصورت	X14	
			1 = کمتر از 100؛ 2 = 200-100؛ 3 = 400-200؛ 4 = 700-400؛ 5 = 700 و بیشتر. (ده هزار ول)	X15	درآمد فرد

جهت تحلیل تحرک اجتماعی روشهای آماری مختلف از قبیل مدل درستیابی و تحلیل رگرسیونی مورد استفاده قرار گرفته است. اما مدل های قطری تحرک تنها روش آماری است که به صورت ویژه و با هدف تحلیل داده های تحرک اجتماعی پیشنهاد شده است. مدل های قطری تحرک نوعی مدل رگرسیونی با ساختار خاص می باشند که امکان تحلیل مبدا و مقصد و نیز بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر تحرک اجتماعی را بطور همزمان فراهم می نماید. از این مدل ها در مواردی که متغیرهای مدل اعم از متغیرهای وابسته و مستقل بصورت اسمی، رتبه ای و یا کمی باشند، می توان استفاده نمود. در این مقاله ما نیز از این مدل ها به منظور تحلیل هویت زنان شاغل در دانشگاه های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور پرداخته ایم. بررسی منابع موجود در مورد پژوهش های انجام شده در زمینه هویت اجتماعی در ایران نشان داد که در این مطالعات از مدل های قطری تحرک استفاده نشده است. لذا به منظور آشنایی بیشتر با این قبیل مدل ها به اختصار تاریخچه استفاده از آنها را مرور نموده و به معرفی آنها می پردازیم.

مدل های قطری تحرک برای اولین بار توسط سوبل جهت بررسی رابطه بین تحرک بین نسلی و نرخ باروری (تعداد فرزندان خانواده) پیشنهاد شد. سوبل در این تحقیق نشان داد که چگونه تحرک اجتماعی از شغل پدر به شغل پسر، نرخ باروری (تعداد فرزندان) را افزایش و یا کاهش می دهد (1981). پس از آن سوبل به تکمیل مدل های پیشنهادی خود در سال 1981 پرداخت. به این ترتیب که متغیرهای مستقل را در این مدل ها وارد کرد، تا از این طریق بتوان در کنار بررسی تاثیر تحرک

اجتماعی بر متغیر وابسته، به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مؤثر بر متغیر وابسته نیز پرداخت (1985). پس از معرفی مدل پایه توسط سوبل، در سال‌های بعد این مدل بارها برای حالات مختلف متغیر وابسته گسترش یافته و مورد استفاده قرار گرفت. از جمله موارد استفاده از این مدل‌ها می‌توان به مطالعات مربوط به تحرک اجتماعی و ترجیح احزاب سیاسی اشاره نمود (نیوبیرتا و دگرف، 1993، نیوبیرتا و ویتبرود، 1995، دگرف و همکاران، 1995، نیوبیرتا، دگرف و آلتی، 2000 و نیوبیرتا و فلپ، 2000).

ون برکل و دگرف با استفاده از این مدل‌ها به مطالعه مشارکت فرهنگی زن و شوهر و سطح تحصیلات آنها پرداختند (1995). مارشال و فیرد با استفاده از مدل‌های مرجع قطری به بررسی رابطه میان تحرک اجتماعی و رضایت و عدم رضایت شخصی میان مردان و زنان ده کشور صنعتی پرداختند (1999). ون در اسلیک و همکاران با استفاده از مدل‌های مرجع قطری به بررسی تأثیر نسبی سطح تحصیلات هر یک از والدین بر ارزش‌های تربیتی فرزندان پرداختند (2002). مندن و همکاران با استفاده از این مدل‌ها به مطالعه اهمیت موقعیت همسر و تحصیلات او در ارزیابی فرد از سلامتی خود، استعمال سیگار و مصرف بیش از اندازه الکل پرداختند. سوبل و همکاران برای بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان از مدل‌های مرجع قطری استفاده کردند. آنها از طریق این مدل‌ها بررسی کردند که زنان تحت چه شرایطی در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی خود به موقعیت اجتماعی همسرشان بیشتر از موقعیت اجتماعی خودشان اهمیت می‌دهند و به عکس. از آنجا که متغیر وابسته مورد استفاده در این بررسی (هویت طبقاتی اجتماعی زنان) یک متغیر رسته‌ای ترتیبی بود، بنابراین سوبل و همکاران ابتدا مدل‌های قطری تحرک اولیه را برای متغیر وابسته ترتیبی گسترش داده، سپس آنرا جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌کار بردند (2004).

### مدل‌های قطری تحرک

فرض کنید که تعداد  $T$  مبدأ و  $T$  مقصد داریم و  $r(r = \overline{1, T}, T)$  معرف متغیر سطر (تعداد حالت‌های مبدأ) و  $c(c = \overline{1, T}, T)$  معرف متغیر ستون (تعداد حالت‌های مقصد)، است. همچنین  $y^*$  متغیر وابسته و  $i(i = \overline{1, n}, n)$  اندیس پاسخ-گو باشد. سوبل مدل زیر را برای بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر متغیر پاسخ پیشنهاد کرد (1985):

$$y_i^* = \mu(x_i, r_i, c_i) + \varepsilon_i = \pi \mu_{r_i}(x_i) + (\sum \pi) \mu_{c_i} + \varepsilon_i \quad (1)$$

که  $x_i$  یک بردار ستونی از متغیرهای توضیحی برای پاسخ‌گویی  $i$  ام،  $r_i$  و  $c_i$  به ترتیب مقادیر  $R$  و  $C$  برای پاسخ‌گویی  $i$  ام هستند. همچنین  $\varepsilon_i$  متغیر خطا با امید ریاضی زیر است.

$$E(\varepsilon_i | X_i = x_i, R_i = r_i, C_i = c_i) = 0$$

در مدل (1)، میانگین پاسخ‌گوها در سلول  $r$  و  $c$  جدول تحرک (یعنی میانگین پاسخ افرادی که دارای مبدأ  $r$  و مقصد  $c$  می‌باشند) با متغیرهای توضیحی  $x$  یک میانگین وزنی از توابع رگرسیون قطری  $\mu_{rr}(x)$  و  $\mu_{cc}(x)$  است. به‌گونه‌ای که

$$\mu_{rr}(x) = \alpha_r + x' \beta_r \quad (2)$$

برای مدل فوق این فرضیه را که خطاها مستقل و هم توزیع (دارای توزیع نرمال) با واریانس  $\sigma^2$  هستند، در نظر می‌گیریم. حال فرض کنیم متغیر پاسخ مورد نظر ( $y$ ) یک متغیر رتبه‌ای باشد، بنابراین  $y$  با یک مقیاس رتبه‌ای، اندازه‌گیری می‌شود. اما می‌توان به متغیر رتبه‌ای  $y$ ، مقیاس‌های صحیح اختصاص داد و با متغیر حاصل به عنوان یک متغیر استاندارد مانند بالا رفتار کرد. برای تعمیم مدل قطری برای حالت یک متغیر ترتیبی، متغیر مشاهده شده  $y$ ، با دسته بندی  $k \in \{1, \dots, K\}$  را به عنوان نسخه کمی شده متغیر پنهان  $y^*$  در نظر می‌گیریم بطوری که  $y = k$  است اگر  $\tau_{k-1} \leq y^* \leq \tau_k$  که  $\tau_0 = -\infty$  و  $\tau_k = +\infty$  است. با توجه به تعریف رابطه فوق میان  $y$  و  $y^*$ ، متغیر پنهان  $y^*$  را به جای  $y$  مدل‌بندی می‌کنیم. ساختار میانگین متغیر پنهان  $y^*$  عبارت است از:

$$y_i^* = \mu(x_i, r_i, c_i) + \varepsilon_i = \pi(x_i) \mu_{r_i r_i}(x_i) + \{1 - \pi(x_i)\} \mu_{c_i c_i}(x_i) + \varepsilon_i \quad (3)$$

همانند قبل، توابع رگرسیون قطری به‌صورت زیر مشخص می‌شوند:

$$\mu_{r_i r_i}(x_i) = \alpha_r + x_i' \beta_r$$

$$\mu_{c_i c_i}(x_i) = \alpha_c + x_i' \beta_c$$

به‌طوری که  $\beta_r \neq \beta_c$  می‌باشد. پارامترهای توابع رگرسیون قطری می‌توانند تحت  $L$  قطر تغییر کنند  $(r \in \{1, \dots, T\}, c \in \{1, \dots, T\})$ . در معادله (3)، عبارت‌های  $\pi(x_i)$  و  $\pi(x_i)$  وزن‌هایی هستند که به‌ترتیب به وضعیت مبدأ و مقصد اختصاص می‌یابند.  $\pi(x_i)$  وزنی است که در تعیین متغیر وابسته به مبدأ داده می‌شود و  $\pi(x_i)$  وزنی است که به مقصد اختصاص می‌یابد. از طریق تعریف وزن‌ها به‌صورت توابعی از متغیرهای توضیحی، پس از برآورد پارامترهای به‌کار رفته در توابع مذکور، می‌توان بیان کرد که چگونه متغیرهای توضیحی مختلف، وزن‌های مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یعنی در چه حالتی از متغیرهای فوق، مبدأ (مقصد) وزن بیشتری در تعیین متغیر وابسته (رفتار یا حالت فرد)



می‌گیرد. با توجه به اینکه وزن‌ها باید در فاصله بسته صفر و یک قرار گیرند، برای تحقق شرط فوق می‌توان توابع وزنی را به صورت زیر تعریف کرد (برای آشنایی بیشتر با این قبیل مدل‌ها می‌توان به سوبل و همکاران، 2004 مراجعه نمود).

$$\pi(x_i) = \frac{\exp(\delta_0 + x_i' \gamma)}{\sum \exp(\delta_0 + x_i' \gamma)} \quad (4)$$

### فرضیه های تحقیق

**فرضیه اصلی:** به نظر می‌رسد زنان شاغل در موقعیت‌های متفاوت در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی خود اهمیت یکسانی به موقعیت شغلی خودشان و موقعیت شغلی همسرشان نمی‌دهند.

#### فرضیه های جانبی:

1. به نظر می‌رسد سن افراد عامل تعیین‌کننده‌ای در تلقی آنان از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
2. به نظر می‌رسد میزان تحصیلات زنان شاغل عامل تعیین‌کننده‌ای در تلقی آنها از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
3. به نظر می‌رسد قومیت زنان عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی آنان از هویت طبقاتی اجتماعی‌شان باشد.
4. به نظر می‌رسد میزان تحصیلات پدر و مادر افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقاتی اجتماعی‌شان مؤثر است.
5. به نظر می‌رسد وضعیت مالی خانواده پدری افراد پاسخگو، در تصور آنان از هویت طبقاتی اجتماعی‌شان مؤثر است.
6. به نظر می‌رسد میزان درآمد زنان و همسرانشان عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقاتی اجتماعی‌شان باشد.
7. به نظر می‌رسد نوع استخدام زنان و همسرانشان در تصور آنان از طبقه اجتماعی‌شان مؤثر است.
8. به نظر می‌رسد بالاتر یا پایین‌تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسرانشان (حرک اجتماعی نزولی یا صعودی) عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع تلقی زنان از هویت طبقاتی اجتماعی‌شان باشد.
9. به نظر می‌رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسرانشان عامل تعیین‌کننده‌ای در تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان باشد.
10. به نظر می‌رسد سن زنان عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرانشان می‌دهند باشد.
11. به نظر می‌رسد قومیت عامل تعیین‌کننده‌ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرانشان می‌دهند باشد.
12. به نظر می‌رسد بالاتر یا پایین‌تر بودن موقعیت شغلی زنان نسبت به موقعیت شغلی همسرانشان (حرک اجتماعی نزولی یا صعودی)، عامل

تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرانشان می دهند باشد.

13. به نظر می رسد رابطه وضعیت استخدامی زنان با وضعیت استخدامی همسرانشان عامل تعیین کننده ای در تعیین وزنی (اهمیتی) که آنها در تعیین هویت طبقاتی اجتماعی شان به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرانشان می دهند باشد.

### یافته های تحقیق

هدف از این پژوهش مطالعه هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل با استفاده از مدل های قطری تحرک است. بدین ترتیب که قصد داریم بررسی کنیم که عواملی مانند سن، تحصیلات، قومیت، تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اقتصادی خانواده پدری زن، وضعیت استخدامی زن و وضعیت استخدامی همسر، وضعیت اقتصادی خانواده، چگونه تلقی زنان از طبقه اجتماعی شان را تحت تأثیر قرار می دهند. همچنین عواملی چون، سن، تحصیلات، رابطه بین موقعیت شغلی زن و همسرش، رابطه بین وضعیت استخدامی زن و همسرش، چگونه، اهمیتی را که زن در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقعیت خود و همسرش می دهد، تحت تأثیر قرار می دهند. بطور مشخص تأثیر عوامل مختلف شامل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی- فرهنگی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی خانواده پدری فرد، وضعیت اقتصادی خانواده فرد، وضعیت استخدامی فرد و وضعیت استخدامی همسر را بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان بررسی می کنیم.

قبل از مدل بندی و بررسی عوامل مؤثر بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل، ابتدا رابطه میان هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل با موقعیت شغلی آنها و موقعیت شغلی همسرانشان (به عنوان سطوح مبدأ و مقصد)، را به طور خلاصه در جدولی به نام جدول تحرک (جدول 2) بیان می کنیم. سطرهای این جدول نشان دهنده سطوح موقعیت شغلی زن (به عنوان سطوح مبدأ)، و ستون های آن نشان دهنده سطوح موقعیت شغلی همسر (به عنوان سطوح مقصد) می باشند. عناصر درون هر سلول جدول نشان دهنده درصد افرادی از آن طبقه است که هریک از پنج طبقه اجتماعی معرفی شده در بخش های قبل را به عنوان طبقه اجتماعی خود انتخاب کرده اند. قابل ذکر است که طبقات اجتماعی پایین، متوسط پایین، متوسط متوسط، متوسط بالا و بالا در جدول به ترتیب با شماره های 1، 2، 3، 4 و 5 نشان داده می شوند. اعداد درون پرانتز در هر سلول جدول بیانگر تعداد افرادی است که در آن سلول قرار دارند. به عنوان مثال، عدد 40 درون پرانتز در سلول اول جدول نشان می دهد که تعداد زنانی که خود و همسرشان هر دو از نظر شغلی در رده متخصصان جای می گیرند، 40 نفر است. درصد های داده شده در این سلول نشان می دهند که تنها 5% افراد نمونه متعلق به مبدأ اول و مقصد اول (یعنی افرادی که طبقه شغلی آنها و همسرانشان، طبقه متخصصان و مدیران می باشد)، طبقه اجتماعی متوسط متوسط را برای خود گزارش داده اند، 45% این افراد

طبقه اجتماعی متوسط بالا و 50% آنها طبقه اجتماعی بالا را برای خود تصور کرده اند.

اعداد درون سلولهای قطر اصلی جدول تحرک نشان دهنده طبقه اجتماعی افرادی است که موقعیت شغلی آنها و موقعیت شغلی همسرانشان، هر دو در یک رده قرار دارند. نتایج درون جدول نشان می-دهد که حدود 56/13% افراد نمونه (174 نفر)، در این سلولها جای می-گیرند. یعنی موقعیت شغلی 56/13% افراد نمونه، با موقعیت شغلی همسرشان یکسان است. اعداد درون سلولهای خارج قطر اصلی، نشان دهنده طبقه اجتماعی انتخابی توسط زنانی است که موقعیت شغلی آنها و موقعیت شغلی همسرانشان در یک رده قرار نمی-گیرد. اعداد درون جدول 2 نشان می-دهد که 43/87% افراد نمونه (136 نفر)، درون این سلولها قرار می-گیرند. یعنی 43/87% از افراد نمونه، از نظر شغلی، موقعیت متفاوتی نسبت همسرشان دارند.

جدول 2: رابطه بین هویت طبقاتی اجتماعی زنان و موقعیت شغلی خود و همسرشان

شغل زن	شغل همسر			
	مخصوصان و مدیران	نیمه متخصصان	صاحبان مشاغل آزاد	کارمندان های معمولی
مخصوصان و مدیران	1.....-	1.....-	1.....-	1.....-
	2.....-	2.....-	2.....-	2.....-
	3.....5	3.....18/75	3.....40	3.....1
	4.....45	4.....75	4.....20	4.....-
	5.....50	5.....6/25	5.....40	5.....-
	(40)	(16)	(5)	(1)
نیمه متخصصان	1.....-	1.....-	1.....-	1.....3/70
	2.....-	2.....3/57	2.....20	2.....3/70
	3.....33/33	3.....35/61	3.....20	3.....66/67
	4.....22/22	4.....57/14	4.....60	4.....25/92
	5.....44/44	5.....3/57	5.....-	5.....-
	(9)	(28)	(5)	(27)
صاحبان مشاغل آزاد	1.....-	1.....-	1.....-	1.....-
	2.....-	2.....-	2.....-	2.....-
	3.....-	3.....-	3.....-	3.....-
	4.....-	4.....-	4.....-	4.....-
	5.....-	5.....-	5.....-	5.....-
	(0)	(0)	(0)	(0)
کارمندان های معمولی	1.....-	1.....-	1.....3/23	1.....1/28
	2.....-	2.....10	2.....54/84	2.....24/35
	3.....50	3.....52/5	3.....38/71	3.....48/72
	4.....50	4.....37/5	4.....3/26	4.....25/64
	5.....-	5.....-	5.....-	5.....-
	(2)	(40)	(31)	(78)
کارگران	1.....-	1.....-	1.....-	1.....53/57
	2.....-	2.....-	2.....-	2.....46/43
	3.....-	3.....-	3.....-	3.....-
	4.....-	4.....-	4.....-	4.....-
	5.....-	5.....-	5.....-	5.....-
	(0)	(0)	(0)	(28)

عناصر درون سلول اول جدول 2 نشان می‌دهد که هیچ یک از افرادی که در سلول اول قرار دارند (یعنی افرادی که خود و همسرشان از نظر شغلی در رده متخصمان قرار می‌گیرند)، خود را متعلق به طبقه پایین نمی‌دانند؛ 5% افرادی که در سلول اول قرار دارند، خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط متوسط می‌دانند؛ 45% آنها خود را متعلق به طبقه اجتماعی متوسط بالا و 50% آنها، طبقه بالا را به عنوان طبقه اجتماعی خود برگزیده‌اند. عناصر درون سلول‌های بالای قطر اصلی جدول 1 نیز نشان دهنده افرادی است، که تحرک اجتماعی نزولی داشته‌اند، یعنی افرادی که از نظر شغلی در موقعیت بهتری نسبت به همسرانشان قرار دارند. با توجه به اعداد درون جدول دیده می‌شود که حدود 17/42% افراد نمونه (54 نفر)، دارای تحرک اجتماعی نزولی بوده‌اند. همچنین عناصر درون سلول‌های پایین قطر اصلی جدول، نشان دهنده افرادی است که تحرک اجتماعی صعودی داشته‌اند، یعنی افرادی که موقعیت شغلی همسرانشان از موقعیت شغلی آنها بهتر است. با توجه به اعداد در جدول مشاهده می‌شود که حدود 26/45% افراد نمونه (82 نفر)، دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند.

### **تحلیل مشخصات فردی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان**

در این بخش به بررسی تأثیر مشخصات فردی و عوامل اجتماعی- فرهنگی پاسخگو بر هویت طبقاتی اجتماعی‌اش می‌پردازیم. متغیرهای مورد استفاده در این بخش عبارتند از: سن، تحصیلات، قومیت و متغیرهای تحرک. از آنجا که هویت طبقاتی اجتماعی زنان یک متغیر ترتیبی است و همچنین قصد داریم تأثیر عوامل مختلف بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان و نیز تأثیر عوامل مختلف را بر وزنی (اهمیتی) که زنان در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود و همسرشان می‌دهند، را مورد مطالعه قرار دهیم. لذا ضروری است از مدل قطری تحرک با متغیرهای کمکی در حالتی که وزن‌های اختصاص یافته به مبدأ و مقصد (موقعیت شغلی زن و همسرش) نیز به متغیرهای مستقل وابسته هستند و میانگین‌های قطری غیر وابسته به مبدأ و مقصد می‌باشند، استفاده کنیم. به منظور دستیابی به بهترین مدل، تمام مدل‌های ممکن با متغیرهای فوق را برآزش داده و مدل دارای کمترین معیار اطلاع آکائیک را به عنوان بهترین مدل برآزش شده انتخاب می‌کنیم. براساس این معیار مدلی که شامل متغیرهای سن، تحصیلات و سه متغیر تعیین کننده قومیت است و علاوه بر آن قومیت، به عنوان عاملی که می‌تواند در اهمیتی که زن در تعیین طبقه اجتماعی‌اش به موقعیت شغلی خود (مبدأ) و موقعیت شغلی همسرش (مقصد) می‌دهد مؤثر باشد و به وسیله متغیرهای تعیین کننده‌اش وارد توابع وزنی مدل می‌شود، بهترین مدل را می‌باشد. جدول 3، برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می‌دهد (به منظور حفظ اختصار فقط مدل نهایی ارائه شده است).

جدول 3: برآورد و خطاي استاندارد مدلهاي برآزشي براي بررسي تأثير عوامل اجتماعي-فرهنگي و مشخصات فردي

متغيرهاي مستقل	برآورد پارامترها	خطاي استاندارد	p-value	متغيرهاي توابع وزني	برآورد پارامترها	خطاي استاندارد	p-value
سن	-0/165	0/082	0/045	عرض از مبدأ 1	0/503		
تحصيلات	-0/009	0/022	0/676	قوميت(X6)	-1/328		
قوميت(X6)	0/153	0/116	0/188	قوميت(X7)	0/825		
قوميت(X7)	-0/017	0/090	0/845	قوميت(X8)	4/726	0/491	$2e^{-16}$
قوميت(X8)	-0/235	0/153	0/127	عرض از مبدأ 2	3/703	0/385	$2e^{-16}$
				قوميت(X6)	3/029	0/314	$2e^{-16}$
				قوميت(X7)	1/498	0/176	$9/69e^{-16}$
				قوميت(X8)	2/263	0/345	$2/63e^{-10}$

لازم به تذكر است كه براي برخي برآوردها، خطاي استاندارد و مقدار احتمال غير قابل برآورد بوده است. بنا بر اين مقادير ياد شده براي برخي برآوردهاي مدل برآزشي در جدول 3 قيد نشده اند. مروري بر نتايج اين جدول نشان دهنده آن است كه فقط سن زنان داراي تأثير معني دار بر طبقه اجتماعي آنها دارا مي باشد ( $p < 0/05$ ). با توجه به برآورد ضريب متغير سن (-0/165)، افراد داراي سنين بالاتر از ميانگين سن نمونه، طبقه اجتماعي پايين تري براي خود گزارش کرده اند. از سوي ديگر معني دار شدن اثر متغيرهاي توابع وزني (قوميت) نشان دهنده اهميت نقش آنها در تعيين وزن مبدأ و مقصد مي-باشد ( $p < 0/001$ ). لذا مي توان براي افراد با قوميتهاي متفاوت (عرب، بختياري، فارس و ساير قوميتها) به طور جداگانه به محاسبه وزن هايي كه آنها در تعيين طبقه اجتماعي شان به موقعيت شغلي خود (مبدأ) و موقعيت شغلي همسرشان (مقصد) مي دهند، پرداخت. جدول 4 وزن هاي مبدأ و مقصد را براي زنان با قوميتهاي مختلف نشان مي دهد.

جدول 4: برآورد وزن هاي مبدأ و مقصد براي زنان با قوميتهاي مختلف

قوميت	X6	X7	X8	برآورد وزن مبدأ	برآورد وزن مقصد
عرب	0	0	0	0/039	0/960
بختياري	1	0	0	0/00052	0/999
فارس	1	1	0	0/00026	0/9997
ساير قوميتها	1	1	1	0/0031	0/996

با توجه به اطلاعات جدول 4 برای همه قومیت‌ها برآورد وزن مبدأ (موقعیت شغلی فرد) کمتر از برآورد وزن مقصد (موقعیت شغلی همسر) است یعنی زنان شاغل با قومیت‌های متفاوت، در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی همسر بیش از موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان

در این بخش، هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل را از دیدگاه وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری مورد بررسی قرار می‌دهیم. متغیرهایی که در این بخش جهت تجزیه و تحلیل بکار می‌روند عبارتند از: تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت مالی خانواده پدری و سه متغیر تحرک  $X_{20}$ ،  $X_{25}$  و  $X_{26}$ . این سه متغیر را به ترتیب متغیرهای تحرک اول، دوم و سوم نامیم. با استفاده از این سه متغیر می‌توان علاوه بر تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری، تأثیر تحرک اجتماعی بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان را نیز بررسی نمود.

جدول 5: برآورد و خطای استاندارد مدل رابطه میان وضعیت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری و هویت طبقاتی اجتماعی زن

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
تحصیلات پدر	0/0131	0/009	0/00074	عرض از مبدأ 1	3/342	0/142	$2e^{-16} >$
متغیر تحرک دوم	-0/027	0/091	0/764	متغیر تحرک دوم	2/804	0/086	$2e^{-16} >$
				عرض از مبدأ 2	1/459	0/123	$2e^{-16} >$
				متغیر تحرک دوم	2/311	0/124	$2e^{-16} >$

جدول 5 نتایج مدل برازش شده را نشان می‌دهد. براین اساس فقط تحصیلات پدر دارای اثر معنی دار بر طبقه اجتماعی زنان است ( $p < 0/001$ ). با توجه به برآورد ضریب این متغیر (0/031) رابطه مستقیم میان تحصیلات پدر و تصور زنان از طبقه اجتماعی شان وجود دارد و زنانی که دارای پدران با تحصیلات بالاتری هستند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. همچنین متغیر تحرک دوم تنها متغیر وزنی موثر بر وزن مبدأ و مقصد می‌باشد. بنابراین می‌توان دو دسته وزن مبدأ و مقصد برای افراد دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی محاسبه نمود (جدول 6). مروری بر نتایج این جدول نشان می‌دهد که زنان فاقد تحرک اجتماعی و دارای تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود (مبدأ) بیش از

موقعیت شغلی همسر اهمیت می‌دهند و زنان دارای تحرک اجتماعی نسبت به آنهایی که تحرک اجتماعی ندارند به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

جدول 6: برآورد وزن های مبدأ و مقصد

	برآورد	برآورد	X <sub>25</sub>	
	وزن مقصد	وزن مبدأ		
	0/132	0/867	0	1
	0/085	0/914	1	2

### تحلیل تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان

از جمله عوامل موثر بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان می‌توان به ثروت، درآمد و به‌طور کلی وضعیت اقتصادی خانواده‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند، اشاره نمود. بنابراین در این بخش به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش می‌پردازیم. متغیرهایی که در این بخش برای بررسی در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از: درآمد فرد پاسخ‌گو، درآمد همسر، نوع منزل مسکونی و متغیرهای تحرک. با استفاده از معیار اطلاع آکائیک بهترین مدل برازشی شامل متغیرهای درآمد فرد پاسخ‌گو، درآمد همسر و نوع منزل مسکونی و دو متغیر تحرک همچنین متغیرهای تحرک به عنوان متغیرهای مؤثر بر وزن-های مبدأ و مقصد، در توابع وزنی این مدل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج مربوط به برآورد این مدل در جدول 7 ارائه شده است.

جدول 7: برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی برای بررسی رابطه وضعیت اقتصادی خانواده و طبقه اجتماعی افراد

متغیرهای مستقل	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value	متغیرهای توابع وزنی	برآورد پارامترها	خطای استاندارد	p-value
درآمد فرد	0/123	0/072	0/089	عرض از مبدأ 1	30/149		
درآمد همسر	0/215	0/044	1/96e <sup>-6</sup>	متغیر تحرک اول	2/674	0/382	1/83e <sup>-11</sup>
نوع منزل مسکونی (X <sub>24</sub> )	-0/012	0/088	0/890	متغیر تحرک دوم	2/718	0/234	2e <sup>-16</sup> >
نوع منزل مسکونی (X <sub>27</sub> )	-0/025	0/120	0/833	عرض از مبدأ 2	2/252	0/190	2e <sup>-16</sup> >
متغیر تحرک اول	-0/580	0/202	0/004	متغیر تحرک اول	1/114	0/174	6/07e <sup>-10</sup>
متغیر تحرک دوم	-0/277	0/121	0/023	متغیر تحرک دوم	1/525	0/228	1/07e <sup>-10</sup>

با توجه به نتایج این جدول متغیر درآمد فرد ( $p < 0/1$ ) و درآمد همسر ( $p < 0/001$ ) معنی دار هستند. اما نوع منزل مسکونی تأثیر معنی داری بر تصور افراد از طبقه اجتماعی شان ندارد. متغیرهای تحرک نیز هر دو در سطح معنی داری 0/05 بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان تأثیر معنی دار دارند ( $p < 0/05$ ). حال به تفسیر چگونگی تأثیر این متغیرها می پردازیم. با توجه به برآورد ضریب متغیر درآمد فرد (0/123) مشاهده می شود که رابطه مستقیم میان درآمد فرد و تصور او از طبقه اجتماعی اش وجود دارد بدین معنی که افراد با درآمد بالاتر، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می کنند. همچنین ضریب متغیر درآمد همسر (0/215) نیز نشان دهنده وجود رابطه مستقیم میان درآمد همسر و تصور فرد از طبقه اجتماعی اش می باشد. یعنی افرادی که همسران آنها درآمد بالاتری دارند نسبت به سایر افراد، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می کنند.

حال با توجه به برآورد ضرایب متغیرهای تحرک در جدول 8 به بررسی تأثیر تحرک اجتماعی بر هویت طبقاتی اجتماعی افراد می پردازیم. با توجه به توصیفی که از متغیر تحرک اول داشتیم و برآورد ضریب این متغیر (-0/580)، با توجه به نمونه زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند، طبقه اجتماعی پایین تری برای خود گزارش داده اند. مقادیر احتمال داده شده در جدول 7 برای برآورد ضرایب متغیرهای توابع وزنی نشان می دهند که تمام این متغیرها در سطح 0/001 معنی دار هستند. برآورد وزن های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحرک اول در جدول 8 و برآورد وزن های مبدأ و مقصد براساس متغیر تحرک دوم در جدول 9 آمده است.

جدول 8: برآورد وزن های مبدأ و مقصد

برآورد وزن مقصد	برآورد وزن مبدأ	X <sub>20</sub>	
$\cong 0$	$\cong 1$	0	1
$\cong 0$	$\cong 1$	1	2

جدول 9: برآورد وزن های مبدأ و مقصد

برآورد وزن مقصد	برآورد وزن مبدأ	X <sub>26</sub>	
$\cong 0$	$\cong 1$	-1	1
$\cong 0$	$\cong 1$	0	2
$\cong 0$	$\cong 1$	1	3

از قبل می دانیم که متغیر تحرک اول برای زنانی که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند برابر 1 و برای سایر افراد برابر صفر است. جدول 8 برآورد وزن مبدأ و مقصد را



برای این دو دسته ارائه می‌دهد. با توجه به وزن‌های مبدأ و مقصد، مشاهده می‌شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هم زنانه که از نظر شغلی در موقعیت بالاتری نسبت به همسران خود قرار دارند، و هم زنانه که این‌گونه نیستند، هر دو گروه در تعیین طبقه اجتماعی‌شان تقریباً به موقعیت شغلی همسرشان اهمیتی نمی‌دهند.

حال به بررسی وزن‌های مبدأ و مقصد با استفاده از متغیر تحرک دوم می‌پردازیم. همانطور که قبلاً اشاره شد این متغیر برای افرادی که تحرک اجتماعی ندارند مقدار صفر و برای افرادی که تحرک اجتماعی منفی دارند مقدار 1- را اختیار می‌کند و برای افرادی که تحرک اجتماعی مثبت دارند مقدار این متغیر برابر 1 است. جدول 9 برآورد وزن‌های مبدأ و مقصد را برای این سه دسته افراد، به‌طور جداگانه ارائه می‌دهد. با دقت در برآوردهای ارائه شده در جدول 9 مشاهده می‌شود که با توجه به نمونه مورد بررسی، هر سه گروه یعنی زنانه که تحرک اجتماعی ندارند، آنهایی که تحرک اجتماعی منفی دارند و زنانه که تحرک اجتماعی مثبت دارند، در تعیین طبقه اجتماعی خود تقریباً تمام اهمیت را به موقعیت شغلی خود می‌دهند.

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان

به نظر می‌رسد که وضعیت استخدامی فرد بر تصور او از طبقه اجتماعی‌اش مؤثر باشد و همچنین می‌تواند بر اهمیتی که فرد در تعیین طبقه اجتماعی‌اش به موقعیت شغلی خود و همسرش می‌دهد تأثیر گذار باشد. در این بخش همچنین به مقایسه وضعیت استخدام فرد و همسرش می‌پردازیم و بررسی می‌کنیم که چگونه افراد با توجه به رابطه وضعیت استخدامی خود و همسرشان در تعیین طبقه اجتماعی خود به موقعیت شغلی خود و همسرشان اهمیت می‌دهند. متغیرهای مورد استفاده در این بخش به شرح زیر می‌باشند:

سه متغیر  $X_{12}$ ،  $X_{13}$  و  $X_{14}$  بیانگر وضعیت استخدامی فرد می‌باشند. هر یک از این متغیرها جهت مقایسه طبقه اجتماعی انتخابی افرادی با وضعیت استخدامی متفاوت بکار می‌روند. به عنوان مثال متغیر  $X_{12}$  هویت طبقاتی اجتماعی افراد با استخدام رسمی را با افراد پیمانی مقایسه می‌کند. همچنین متغیرهای  $X_{21}$  و  $X_{22}$  را نیز به عنوان متغیرهای مقایسه کننده وضعیت استخدامی فرد و همسرش در نظر می‌گیریم. جدول 10 نتایج بهترین مدل برازش شده را نشان می‌دهد. این مدل شامل متغیرهای تعیین وضعیت استخدامی فرد پاسخگو می‌باشد و هیچ متغیری جهت بررسی تأثیر آن بر وزن‌های مبدأ و مقصد در نظر گرفته نشده است. مروری بر نتایج این جدول نشان می‌دهد که این متغیرها نیز دارای اثر معنی دار بر هویت طبقاتی اجتماعی فرد نمی‌باشند ( $p > 0/05$ ). بنابراین وضعیت استخدام تأثیر معنی‌دار بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش ندارد و زنان با وضعیت استخدام متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود تصور کرده‌اند. علاوه بر آن برآورد وزن مبدأ تقریباً برابر  $0/74$  است و برآورد وزن مقصد برابر  $0/26$  می‌باشد. با توجه به این

برآوردها مشاهده می‌شود که در نمونه مورد مطالعه زنان در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود بیش از موقعیت شغلی همسرشان اهمیت می‌دهند.

جدول 10: برآورد و خطای استاندارد مدل برازشی جهت بررسی رابطه وضعیت استخدامی و هویت طبقاتی اجتماعی فرد

p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای توابع وزنی	p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای مستقل
3/01e <sup>-16</sup>	0/153	1/330	عرض از مبدأ 1	0/337	0/097	0/094	وضعیت استخدام (X <sub>12</sub> )
3/96e <sup>-13</sup>	7/593	0/276	عرض از مبدأ 2	0/86	0/133	0/023	وضعیت استخدام (X <sub>13</sub> )
				0/721	0/140	0/050	وضعیت استخدام (X <sub>14</sub> )

### تحلیل تأثیر وضعیت استخدامی همسر بر هویت طبقاتی اجتماعی زنان

به نظر می‌رسد که وضعیت استخدامی همسر (رسمی، پیمانی، قراردادی، پیمانکار یا آزاد) بر تصور فرد از طبقه اجتماعی اش مؤثر باشد. همچنین به نظر می‌رسد که رابطه وضعیت استخدامی فرد با همسرش، اهمیتی را که فرد در تعیین طبقه اجتماعی اش به موقعیت شغلی خود و موقعیت شغلی همسرش می‌دهد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بخش به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان از دیدگاه فوق می‌پردازیم. چهار متغیر بیانگر وضعیت استخدامی همسر (X<sub>16</sub>, X<sub>17</sub>, X<sub>18</sub> و X<sub>19</sub>) همانطور که در قسمت معرفی متغیرها اشاره شد هر یک متغیرها جهت مقایسه هویت طبقاتی اجتماعی انتخابی افرادی که همسران آنها در وضعیت استخدامی متفاوت هستند، بکار می‌رود. همچنین متغیرهای (X<sub>21</sub> و X<sub>22</sub>) جهت مقایسه وضعیت استخدامی فرد و همسرش، در مدل بکار می‌روند. جهت بررسی رابطه وضعیت استخدام همسر و هویت طبقاتی اجتماعی فرد، تمام مدل‌های ممکن را با استفاده از متغیرهای معرفی شده در ابتدای این بخش، بر داده‌ها برازش می‌دهیم. معیار آکائیک نشان می‌دهد که بهترین مدل از میان مدل‌های برازش شده مدلی است که از چهار متغیر تعیین کننده وضعیت استخدامی همسر تشکیل شده است. جدول 11 برآورد و خطای استاندارد پارامترهای این مدل را ارائه می‌دهد.

جدول 11: برآورد و خطای استاندارد پارامترهای مدل برازشی جهت بررسی تأثیر وضعیت استخدام همسر بر طبقه اجتماعی زن

p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای توابع وزنی	p-value	خطای استاندارد	برآورد پارامترها	متغیرهای مستقل
2/31e <sup>-14</sup>	0/180	1/445	عرض از مبدأ 1	0/030	0/163	0/355	X <sub>16</sub>

3/30e <sup>-8</sup>	0/385	2/186	عرض از مبدأ 2	0/045	0/206	-0/414	X <sub>17</sub>
				0/763	0/199	-0/060	X <sub>18</sub>
				0/239	0/165	0/195	X <sub>19</sub>

براساس این جدول دو متغیر اول تعیین کننده وضعیت استخدامی فرد در سطح 0/05 معنی دار می‌باشند. با توجه به ضریب مثبت متغیر X<sub>16</sub>، زنانی که همسرانشان به‌طور پیمانی استخدام شده‌اند طبقه اجتماعی بالاتری نسبت به آنهایی که همسرانشان استخدام رسمی هستند، برای خود گزارش کرده‌اند. همچنین منفی بودن ضریب متغیر X<sub>17</sub> حاکی از آن است که زنانی که همسران آنها استخدام قراردادی هستند طبقه اجتماعی پایین‌تری نسبت به آنهایی که همسرانشان به‌طور پیمانی استخدام شده‌اند، برای خود گزارش کرده‌اند. برآورد ضریب دو متغیر دیگر معنی دار نمی‌باشد، بنابراین زنانی که همسران آنها استخدام قراردادی هستند با آنهایی که همسرانشان از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آنها از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی داری با آنهایی که همسرانشان شغل آزاد دارند، نداشتند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از مدل‌های قطری تحرک با متغیر پاسخ ترتیبی، به بررسی هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز و علوم پزشکی جندی شاپور و رابطه آن با موقعیت شغلی خود و همسرشان پرداختیم. پس از تحلیل داده‌های مورد مطالعه نتایج زیر در مورد هویت طبقاتی اجتماعی زنان شاغل حاصل شد:

- متغیر سن تأثیر معنی دار بر تصور افراد از طبقه اجتماعی‌شان دارد. زنان با سن بالاتر نسبت به افراد با سن کم‌تر طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود تصور می‌کنند.
- تحصیلات، قومیت، تحصیلات مادر و وضعیت مالی خانواده پدری، نوع منزل مسکونی با توجه به نمونه مورد مطالعه، تأثیر معنی داری بر تصور فرد از طبقه اجتماعی‌اش ندارد. اما تحصیلات پدر بر تصور زنان از طبقه اجتماعی‌شان تأثیر معنی داری دارد. زنان دارای پدران با تحصیلات بالاتر، نسبت به سایر افراد، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند. در مطالعه ای مشابه بر روی زنان اقتصادی اجتماعی والدین آنها رابطه وجود دارد. یعنی هر چه درآمد، تحصیلات و منزلت والدین بالاتر باشد میزان تحرک صعودی دختران آنها بیشتر می‌شود (سفیری و ایمانی، 1385).

• درآمد فرد پاسخگو بر تصور او از طبقه اجتماعی‌اش تأثیر معنی‌داری دارد. افراد با درآمد بالاتر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش داده‌اند. درآمد همسر نیز تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده از سوی زنان دارد. بگونه‌ای که افرادی که همسران آنها درآمد بالاتری داشتند، طبقه اجتماعی بالاتری برای خود گزارش کرده‌اند.

• با توجه به نمونه مورد مطالعه، وضعیت استخدامی تأثیر معنی‌داری بر طبقه اجتماعی گزارش شده فرد پاسخگو، نداشت. بنابراین افراد با وضعیت استخدامی متفاوت طبقه اجتماعی مشابهی برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آنها استخدام پیمانی هستند نسبت به زنانی که همسرانشان استخدام رسمی هستند طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور می‌کنند. یکی از دلایل این امر می‌تواند سن پایین‌تر این زنان نسبت به آنهایی که همسرانشان استخدام رسمی هستند، باشد. با توجه به نمونه مشاهده شد که زنان با سن پایین‌تر طبقه اجتماعی بالاتری برای خود تصور کرده‌اند. همچنین با توجه به نمونه زنانی که همسرانشان استخدام قراردادی هستند نسبت به زنانی که همسران آنها به‌طور پیمانی استخدام شده‌اند طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود گزارش داده‌اند. زنانی که همسران آنها استخدام قراردادی هستند با آنهایی که همسرشان از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند. همچنین زنانی که همسران آنها از طریق پیمانکار استخدام شده‌اند، با آنهایی که از همسرشان شغل آزاد دارند، در گزارش طبقه اجتماعی خود تفاوت معنی‌داری نداشتند.

• زنانی که از نظر شغلی در وضعیتی بهتر از همسران خود قرار دارند طبقه اجتماعی پایین‌تری برای خود تصور می‌کنند.

• با توجه به نمونه مورد مطالعه زنان دارای تحرک اجتماعی و فاقد تحرک اجتماعی در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین آنهایی که تحرک اجتماعی دارند نسبت به بقیه افراد، به میزان بیشتری به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

• زنانی که از نظر وضعیت استخدام در وضعیتی بهتری نسبت به همسرانشان قرار دارند، در تعیین طبقه اجتماعی به موقعیت شغلی خود اهمیت بیشتری می‌دهند. همچنین زنانی که وضعیت استخدامی بهتری نسبت به همسرانشان ندارند نیز به موقعیت شغلی خود در تعیین طبقه اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهند با این تفاوت که زنانی که از لحاظ استخدام در وضعیتی بهتری نسبت به همسرانشان هستند نسبت به دسته دوم به میزان بیشتری در تعیین طبقه اجتماعی‌شان به موقعیت شغلی خود اهمیت می‌دهند.

## منابع

ایمان، محمد تقی و کیدقان، طاهره (1382) بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شیراز)، *فصلنامه علمی-*

پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره 44 و 45، زمستان 1381، بهار 1382.

سفیری، خدیجه و ایمانی، الهه (1385) تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران با تاکید بر دسترسی به امکانات و فرصت ها، *پژوهش زنان*، شماره 1 و 2، بهار و تابستان.

کاظمی پور، شهلا (1378) الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران، *نامه علوم اجتماعی*، شماره 14.

کلانتری، صمد و قائمی، محمد سلمان (1381) تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی (مطالعه موردی شهر همدان)، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره 2.

مقدس، علی اصغر (1374) منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز، *مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز*، دوره دهم، شماره دوم.

Baxter, J. (1994), "Is Husband's class enough? Class location and class identity in the United States, Sweden, Norway, and Australia," *Am. Sociol. Rev.*, 59 220-235.

Davis, N.J. and Robinson, R.V. (1988), "Class identification of men and women in the 1970s and 1980s," *Am. Sociol. Rev.*, 53, 103-112

De Graaf, N. D., Nieuwbeerta, P. and Heath, A. (1995), "Class Mobility and Political Preferences: Individual and Contextual Effects." *A. J. S.*, 100(4), 997-1027.

Erikson, R. and Goldthorpe, J.H. (1992a), "Individual or family?: results from two approaches to class assignment." *Acta Sociol.* 35, 95-105.

Erikson, R. and Goldthorpe, J.H. (1992b), *The Constant Flux: a Study of Class Mobility in Industrial Societies.* Oxford: Clarendon.

Felson, M. and Knoke, D. (1974), "Social status and the married woman." *Journal of Marriage and the Family.* 36, 516-521.

Goldthorpe, J.H. (1980), *Social Mobility and Class Structure in Modern Britain.* Oxford: Clarendon.

Hayes, B.C. and Jones F.L. (1992), "Class identification among Australian couples: are wives characteristics irrelevant?" *Br. J. Sociol.*, 43, 463-483.

Hiller, D. and Philliber, W.W. (1978), "The derivation of status benefits from occupational attainments of working wives." *Journal of Marriage and the Family.* 40, 63-70. Iannelli, C. and Paterson, L. (2007), Education and social mobility in Scotland, *Research in Social Stratification and Mobility*, 25, 219-232.

Jackman, M.R. and Jackman, R.W. (1983), *Class Consciousness in the United States.* Berkeley: University of California Press.

Marshall, G. and Firth, D. (1999), "Social Mobility and Personal Satisfaction: Evidence from Ten Countries." *Br. J. Sociol.*, 50(1), 28-48.

Marshall, G. Roberts, S. Burgoyne, C. Swift, A. and Ruth, D. (1995), "Class, gender and the asymmetry hypothesis." *Eur. Sociol. Rev.*, 11, 1-15.

Nettle, D. (2008), Why do some dads get more involved than others? Evidence from a large British cohort, *Evolution and Human Behavior*, 29, 416-423.

- Nieuwebeerta, P. and De Graaf, N.D. (1993), "Intergenerational class mobility and political preferences between 1970 and 1986 in The Netherlands," *Netherlands Journal of Social Sciences*. **29**, 28-45.
- Nieuwebeerta, P. and Wittebrood, K. (1995)," Intergenerational Transmission of Political Party Preference in The Netherlands," *Social Science Research*. **24**, 243-261.
- Nieuwebeerta, P., De Graaf, N.D. and Ultee, W. (2000), "The Effects of Class Mobility on Class voting in Post-War Western Industrialized Countries." *Eur. Sociol. Rev.* **16**, 327-348.
- Nieuwebeerta, P. and Flap, H. (2000), "Crosscutting social circles and political choice Effects of personal network composition on voting behavior in The Netherlands,". *Social Networks*. **22**, 313-335.
- Ritter, K.V. and Hargens, L.L. (1975), "Occupational position and class identifications of married working women: a test of the asymmetry hypothesis," *Am. J. Sociol.*, **80**, 934-948.
- Roberts, S. and Marshall, G. (1995)," Intergenerational class processes and the asymmetry hypothesis," *Sociology*. **29**, 43-58.
- Sobel, M.E. (1981), Diagonal mobility models: "a substantively motivated class of designs for the analysis of mobility effects". *Am. Social. Rev.*, **46**, 893-906.
- Sobel, M.E (1985), "Social mobility and fertility: some new models for the analysis of the mobility effects hypothesis," *Am. Social. Rev.*, **50**, 699-712.
- Sobel, M.E., De Graaf, N.D., Heath, A. and Zou, Y. (2004)," Men matter more: the social class identity of married British Women", 1985-1991. *J. R. Statist. Soc., A*. **167**, Part 1, pp. 37-52.
- Van Berkel, M. and De Graaf, N.D. (1995), "Husband's and Wife's Culture Participation and their Levels of Education: A Case of Male Dominance?" *Acta Sociologica*. **38**, 131-149.
- Van der Slik, F. W. P., De Graaf, N.D. and Gerris, J. R. M. (2002), "Conformity to parental Rules: Asymmetric Influences of Father s and Mother s Levels of Education". *European Sociological Review*. **18**(4), 489-502.
- Van Velsor, E. and Beeghley, L. (1979),"The process of class identification among employed married women: areplication and reanalysis." *Journal of Marriage and the Family*. **41**, 771-778.
- Whelan, C.T. and Layte, R. (2006), Economic boom and social mobility: The Irish experience, *Research in Social Stratification and Mobility*, **24**, 193-208.
- Wright, E.O. (1989), "Women in the class structure." *Polit. Soc.*, **17**, 35-66.

## **A study of social identity class of employed women in Ahwaz Universities, using diagonal mobility models**

**A. Rasekh and S. Hafezi M. Bagheri\***

**Department of Statistics, Shahid Chamran University**

**\*Department of Social Science, Shahid Chamran University**

E-mail: Rasekh\_a@scu.ac.ir

### **Abstract**

Based on the social mobility theory, behaviors, attitudes and values of people are affected by the previous social status (origin) and the current social status (destination). The social mobility is occurred if the previous social status of a person is not same as the current social

status. Diagonal mobility models have been proposed to study the effect of social mobility on behaviors, attitudes and values of people. In these models the behaviors, attitudes and values are considered as response variables and origin, destination, social mobility and the other variables are explanatory variables. Using these models, we can study the effect of origin, destination and social mobility on the behavior of the people. In this article we consider the diagonal mobility models with ordinal response variables and we study the social class identity of working married women in the Shahid Chamran University and Jondi Shapour University of medical sciences. Among different results, we can refer to the effect of age, father's education level, income, husband's income, working statue of husband and social mobility on social class of women

*Key words:* Social mobility, Origin, Distination, Diagonal Mobility Models, Social identity class